

## تحلیل روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی

حسین الهی نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

حوزه «مهدویت پژوهی» به عنوان حوزه‌ای مطالعاتی به منظور استاندارد سازی معرفتی و ساختارمندی دانشی نیاز به موضوع و موضوع شناسی، غایت و غایت شناسی، مسائل و مسائل شناسی، روش و روش شناسی سامان یافته است. از آن جا که مسائل مهدویت پژوهی از نظر ماهیت شناختی و تبارشناختی دارای گونه‌گونی و تنوعات خاصی می‌باشند؛ جهت توجهی‌ها آن‌ها به روش‌های مختلف، نظیر روش نقلی، روش عقلی، روش تجربی و روش شهودی نیاز است. نوشتار پیش رو بر اساس رسالت تعریف شده، تنها به طرح روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی پرداخته است. این پژوهش ابتدا به تحلیل چستی روش عقلی و تنوعات آن پرداخته و در ادامه مقولات سه گانه روش، نظیر ماده روش، صورت روش و سالک روش تبیین شده است و در ادامه به بحث روش شناسی عقلی مهدویت پژوهی توجه شده و به گوناگونی آن، نظیر روش عقلی محض (مستقلات عقلی)، روش عقلی تلفیقی (غیر مستقلات عقلی) مثل روش عقلی - نقلی و عقلی - تاریخی و عقلی - شهودی، به تحلیل مصداقی پرداخته و چگونگی کاربرد آن‌ها را در حوزه مهدویت پژوهی به بحث گذاشته است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت پژوهی، روش، روش شناسی، روش عقلی، مسائل مهدویت

پژوهی، روش مهدویت پژوهی.

### مقدمه

حوزه مهدویت پژوهی دارای قابلیت‌ها، ظرفیت‌های بالای درونی و بیرونی با رویکرد

۱. دانشیار گروه آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی hosainelahi1212@gmail.com

دانشی و فلسفه دانش است. این حوزه از نظر «موضوع»، دارای ابعاد و وسعت قلمرویی و از نظر «مسائل»، دارای تنوعات ماهیتی و رویکرد چند تباری است و از نظر «حوزه دانشی» با دو نگرش پسینی و پیشینی است که با رویکرد پسینی با حوزه‌های مختلفی، چون رشته و گرایش و با رویکرد پیشینی با حوزه‌های مختلفی، نظیر میان رشته و چندرشته قابلیت بازخوانی و توجیه پذیری دارد. بی شک با توجه به این همه قابلیت‌ها و بایستگی‌های عظیم دانشی در حوزه مهدویت پژوهی و با این همه گستردگی و پر دامنگی موضوعی و مسائلی و با این همه تنوعات دانشی و معرفتی؛ نمی‌توان آن را تک‌تباری و تک‌روشی قلمداد کرد و نمی‌توان با قواعد علم و شیوه‌ای واحد، موضوع و مسائل آن را پردازش کرد، بلکه درست آن است که اولاً، موضوع مهدویت با نگرش علمی به‌درستی بررسی شود؛ ثانیاً، مهدویت پژوهی مورد توجه علوم مختلف قرار گیرد؛ ثالثاً، مسائل آن در علوم مختلف مورد تحقیق و پژوهش واقع شود؛ رابعاً، روش‌ها و شیوه‌های مختلفی برای توجیه مسائل مهدویت پژوهی به کار گرفته شود.

بنابراین، مقوله مهدویت که موضوع مهدویت پژوهی است، به دلیل ابعاد و جهات گوناگون و نیز آموزه‌های مهدویت به دلیل تفاوت‌های ماهیتی، تباری، رویکردی، کارکردی و کاربردی؛ هیچ وقت با روش و اسلوب واحدی قابل توجیه نیستند، بلکه روش‌های مختلفی با الزامات و قواعد گونه‌گونی باید به خدمت گرفته شوند تا بتوان به توجیه مهدویت و مسائل آن دست زد. بر این اساس، اصل مهدویت که به عنوان گرایشی وجدانی و عمومی مطرح است، با فطرت و امور فطری توجیه می‌شود و نیز به دلیل کلیت و ضرورت مهدویت در عالم هستی، عقل و قواعد عقلی عهده دار اثبات آن هستند. مسائل مهدویت نیز به دلیل همین تفاوت‌های ماهیتی، تباری، رویکردی و... هر کدام با روش و اسلوب خاص خودش توجیه پذیر است. مثلاً برخی از طریق عقل و قواعد عقلی و برخی دیگر از راه نقل و الزامات نقلی و برخی دیگر از طریق تجربه و قواعد تجربی و برخی دیگر از طریق شهود و الزامات کشفی و برخی دیگر از طریق تاریخ و گزارش‌های تاریخی قابل اثبات هستند.

### تفاوت‌های روشی علوم، متفرع بر تفاوت‌های ماهیت شناختی

بی‌شک روش علوم با توجه به موضوعات، غایات، منابع و ابزارهای معرفتی آن‌ها، متنوع و متفاوت خواهند شد. مثلاً در «فلسفه مطلق» که موضوع آن «موجود بما هو موجود»

و غایت آن «شناخت احکام کلی وجود»، و منبع و ابزار آن «عقل تجریدی» است؛ باید از روش قیاس و برهان بهره گرفت و در «طبیعت‌شناسی» به تناسب موضوع، اهداف و ابزار معرفتی آن، باید از روش تجربه حسی استفاده کرد و در «علم تاریخ»، روش نقل توأم با تحلیل‌های عقلی راهگشا و سودمند است. پس روش علوم با توجه به موضوعات، اهداف و منابع و ابزار معرفتی آن‌ها مشخص می‌گردد. روش‌شناسی هر حوزه متفرع بر ماهیت‌شناسی آن حوزه است. روش‌شناسی مهدویت پژوهی نیز بر ماهیت‌شناسی حوزه مهدویت پژوهی مبتنی است. بنابراین، هنگامی می‌توان تصویر درستی از روش‌شناسی مهدویت پژوهی داشت که ابتدا تصویر درستی از ماهیت‌شناسی مهدویت پژوهی و موضوع و مسائل آن حاصل شود. بی‌شک اگر حوزه مهدویت پژوهی و مسائل آن با این تفاوت‌های ماهیتی، تباری و رویکردی با راه و روش واحدی دنبال شود و با اسلوب و قاعده یکسانی توجیه و تبیین گردد؛ تفاوت ندارد این تک‌نگرشی که در واقع نگاه افراطی به مهدویت و مسائل آن است با محوریت نقل باشد، یا با محوریت عقل و یا روش‌های دیگر.

### تنوع روشی در شناخت مسائل اسلامی

با نگرش کلی می‌توان مسائل اسلامی را سه دسته دانست: یک دسته مسائل «عقلی محض» اند و از راه نقل نمی‌توان آن‌ها را اثبات کرد؛ مانند وجود خداوند، علم خداوند، حکمت خداوند و مانند هر عقیده‌ای که مبنای شریعت و وحی باشد. این گونه عقاید را نمی‌توان از راه شرع اثبات کرد؛ زیرا به دور و مصادره به مطلوب می‌انجامد. دسته‌ای از مسائل، «نقلی محض» اند و عقل در آن جا هیچ راهی ندارد؛ مانند مسائل جزئی مربوط به معاد. به قول ابن سینا در مسئله معاد جسمانی، یعنی جزئیات و مسائل مربوط به این قسم معاد، دست عقل کوتاه است. چگونگی عذاب، نعمت‌های بهشت، صراط، میزان و مانند آن، مسائلی است که از راه نقل به ما رسیده و عقل تنها می‌تواند مبنای نقلی را اثبات کند که همان وحی باشد. دسته سوم، «مسائل اسلامی» است که هم از راه عقل و هم از راه نقل قابل اثبات است. توحید و اصل یگانگی خداوند از این گونه مسائل است. مسئله «امامت» از آن دسته مسائل اعتقادی است که هم با عقل می‌توان آن را بررسی کرد و هم از طریق نقل (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف: ج ۱، ص ۳۶۹). مهدویت نیز در زمره مباحث امامت قرار دارد؛ یعنی هم از طریق عقل و هم از طریق نقل و هم از طریق تلفیقی عقل و نقل قابلیت توجیه دارد.



## تنوعات روشی در معرفت حصولی و حضوری

به طور کلی مقوله شناخت بر دو قسم «حصولی» و «حضوری» است. در شناخت حصولی سه روش معرفتی وجود دارد: «حس و ادله تجربه»، «عقل و براهین عقلی»؛ «نقل و شواهد روایی» که به عقل ختم شده باشد. برای شناخت، علاوه بر این سه روش، روش دیگری وجود دارد که مختص علم حضوری است و آن روش «کشف و شهود» است که دارای اقسام و مراتب خاص می‌باشد و با تزکیه و تحول وجودی قرین است (جوادی آملی: ۱۳۷۵: ش ۹، ص ۴۹). بی شک بین «سطوح معرفت» و «روش معرفت» ارتباط وثیقی وجود دارد. توضیح این که هر معرفتی از روش مناسب خود بهره می‌برد. موضوعات طبیعی، انسانی و متافیزیکی، روش‌های یکسانی ندارند. دانش‌هایی که مقاصد و اهداف عملی را دنبال می‌کنند، روش‌هایی غیر از روش دانش‌هایی را دارند که در صدد وصول به حقیقت و یقین (دانش‌های نظری) هستند. برخی از روش‌ها تجریدی و ذهنی هستند؛ بعضی دیگر، حسی و تجربی‌اند و بعضی دیگر مهارتی و عملی. بعضی از روش‌ها نیز با ریاضت و سلوک اخلاقی همراه است. نکته مهم این است که هر روش، نوع خاصی از معرفت را به دنبال می‌آورد و هر معرفتی از هر نوع روشی به دست نمی‌آید. سطوح مختلف تحقیق، روش‌های گوناگونی را طلب می‌کند (پارسانیا، ۱۳۸۸ پاییز و زمستان: ش ۲، ص ۴۱). هر علمی به لحاظ ماهیت مسائل متبوع، روش خاصی برای اثبات دارد؛ باید ماهیت مسائل را بررسی کرد که روش حاکم بر این مسئله، حس است یا عقل یا سلیقه و ذوق و خوشایند و ناخوشایند مردم. هر علم و هر مسئله‌ای روش ویژه خودش را طلب می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶ بهار: ش ۱۵، ص ۲۵).

به بیان دیگر روش عقلی در نگرش کلی بر دو قسم «روش عقلی محض» و روش «تلفیقی» (از نقل و عقل) تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، روش عقلی به دو روش «مستقلات عقلی» و «غیر مستقلات عقلی» قابل انقسام است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ص ۴۰). در روش عقلی محض که از آن به «مستقلات عقلی» نام برده می‌شود هر دو مقدمه آن عقلی است و روش تلفیقی که از آن به «غیر مستقلات عقلی» تعبیر می‌شود، یکی از مقدمات آن عقلی و دیگری غیر عقلی، اعم از این که نقلی باشد یا حسی و شهودی، تفاوت ندارد (ایچی، ۱۳۲۵: ج ۲، ص ۴۹).

## شاخصه‌های روش عقلی

روش عقلی با روش‌های دیگر، نظیر روش نقلی، روش تجربی، روش تاریخی؛ تفاوت‌های ماهوی و کارکردی دارد؛ زیرا دارای چهار شاخصه «کلیت»، «ذاتیت»، «دوام» و «ضرورت» بوده، به همین دلیل، نتیجه آن نیز کلی و ذاتی و دائمی و ضروری خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ج: ص ۱۵۱). پس روش عقلی با وجود چهار شاخصه پیش گفته و نتایجی که بر اساس آن‌ها مترتب می‌شود، با روش‌های دیگر تفاوت ماهوی و کارکردی پیدا می‌کند. البته قابل یادآوری است که اگر چه شاخصه‌های چهارگانه مذکور، به ظاهر به روش انتساب داده می‌شود؛ به‌واقع این شاخصه‌های چهارگانه به مقدمات و ماده روش باز می‌گردد؛ نه به ظاهر و صورت روش و این شاخصه‌های مربوط به مقدمات استدلال و روش، به ناچار به نتایج نیز سرایت می‌کند. بر این اساس، وقتی که هر دو مقدمه استدلال و روش کلی، ذاتی، ابدی و ضروری باشد، نتیجه آن نیز به این چهار شاخصه مزین می‌شود.

## معیار روش‌شناسی عقلی و نقلی

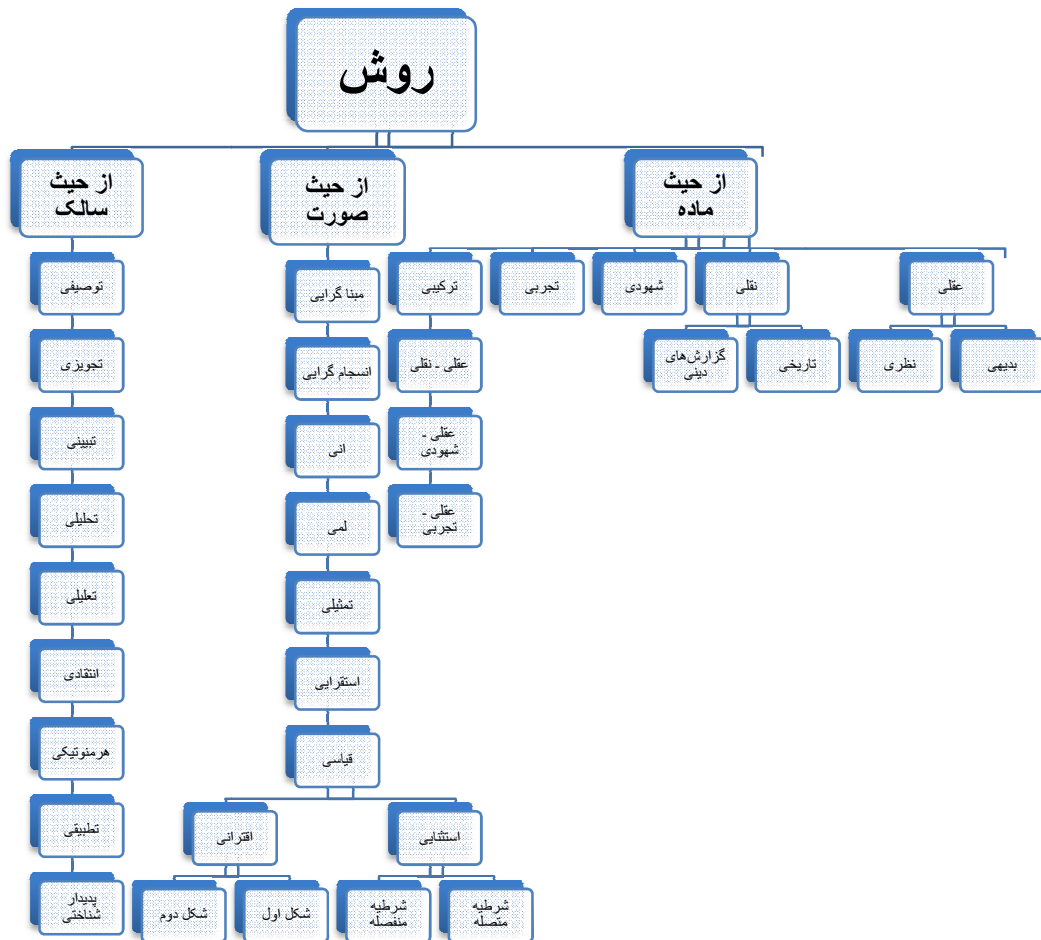
به‌طور کلی «روش» از نظر ماهیت شناختی با دو مقوله «ماده» و «صورت» باز‌شناسی می‌شود و از نظر چیدمانی با وجود «سالک» سامان می‌گیرد. هر کدام از این مقولات سه گانه، یعنی ماده، صورت و سالک که شکل دهنده روش‌اند، دارای تقسیمات و تنوعاتی هستند. مثلاً روش از نظر ماده به دو «روش عقلی» و «غیر عقلی» تقسیم می‌شود و روش عقلی بر دو قسم «بدیهی» و «نظری» است و روش غیر عقلی نیز بر دو قسم «غیر عقلی محض» و «غیر عقلی ترکیبی»، متنوع می‌شود. غیر عقلی محض به روش «شهودی محض»، «تجربی محض» و «نقلی محض» تقسیم می‌شود و روش غیر عقلی ترکیبی به روش‌های «سه گانه عقلی - نقلی»، «عقلی - شهودی»، و «عقلی - تجربی» قابل تقسیم می‌باشد. از نظر صورت نیز تقسیماتی نظیر «روش ائی»، «روش لمّی»، «روش میناگرایی»، «روش انسجام‌گرایی»، «روش قیاسی»، «روش استقرایی» «روش تمثیلی» می‌یابد. روش قیاسی نیز به دو قسم «روش اقتراعی» و «استثنایی» منقسم شده و خود روش اقتراعی باز به اشکال مختلفی نظیر «شکل اول» و «شکل دوم» و روش استثنایی نیز بر دو روش «شرطیه متصله» و «شرطیه منفصله» قابل تقسیم می‌باشد و اما مقوله روش بر اساس مولف و سالک چگونه است؛ یعنی ارائه دهند



چه روش و با چه سازکاری به ارائه روش پرداخته و چگونه به بیان آن مبادرت می‌کند. در این خصوص، اسلوب و رویه‌های گونه‌گونی مطرح است که کاربست آن‌ها به اهداف و غایاتی وابسته است که مولف برای خویش تعریف می‌کند؛ نظیر «رویه‌های توصیفی» و «گزارشی»، «هنجاری و تجویزی»، «تبیینی»، «تحلیلی»، «تعلیلی»، «انتقادی»، «تطبیقی»، «هرمنوتیکی» و «پدیدار شناختی».

شایان ذکر است که تقسیم روش به عقلی و نقلی، به لحاظ صورت قیاس و روش نیست؛ زیرا صورت قیاس و روش، اگر «اقترانی» باشد، یا «شکل اول» است یا «شکل دوم» و مانند آن و اگر استثنایی باشد، یا «شرطیه متصله» است یا «منفصله» و اگر «انی» و «لمی» باشد و یا اگر بر اساس «مبنا گرایی» و یا «انسجام گرایی» شکل بگیرد، همه این‌ها عقلی محض بوده و مقولاتی چون نقل، شهود و تجربه اصلا در آن‌ها راه ندارند و همچنین تقسیم استدلال به عقلی و نقلی، به لحاظ مبرهن و مستدل و سالک نیست، بلکه به لحاظ ماده استدلال است.

نمودار روش در سه مقوله ماده، صورت و سالک:



نمودار مذکور از سه ستون اصلی یعنی ماده روش، صورت روش و سالک روش متشکل است. معیار عقلی، نقلی، شهودی، تلفیقی، و غیره به ستون اول، یعنی «ماده روش» باز می‌گردد. پس وقتی که از عقلی بودن یا نقلی بودن یک روش سخن به میان می‌آید، باید ببینیم ماده آن روش از چه جنسی است. اگر هر دو مقدمه از جنس عقلی باشد، آن روش «عقلی» است و اگر هر دو مقدمه و یا یکی از مقدمه‌ها از جنس «نقلیات» باشد، آن روش «نقلی» خواهد بود و اگر یکی یا هر دو مقدمه از نوع «مشهودات» باشند، آن روش، «شهودی»

است و نیز اگر یکی و یا هر دو مقدمه از جنس «تجربیات» باشد، آن «روش تجربی» خواهد بود. پس به‌طور کلی در تقسیم روش‌ها که به مقولات مختلفی چون عقلی، نقلی، دینی، تاریخی، شهودی، تجربی متنوع می‌شوند، باید به ماده روش توجه کرد؛ زیرا ماده روش معیار این تنوعات و تقسیمات می‌باشد.

### جایگاه عقل از حیث منبع شناخت و ابزار شناخت

همسو با تبیین و تحلیل روش در سه مقوله ماده روش، صورت روش و سالک روش، بحث کاربردی عقل در روش در دو مقوله «منبع شناخت» و «ابزار شناخت» مطرح می‌شود. یعنی عقل در فضای معرفت‌شناسی، یک بار به صورت منبع شناخت و بار دیگر به صورت ابزار شناخت نقش ایفا می‌کند (مطهری، ۱۳۶۳: ج ۱۳، ص ۳۷۱)؛ که بی شک بحث منبع بودن عقل را باید در قسمت «ماده روش» و بحث ابزار بودن عقل را باید در قسمت «صورت روش» جست‌وجو کرد.

اختلافات و تفاوت‌هایی که میان اندیشمندان و عالمان دینی در مورد عقل و نقش آن مطرح است (به گونه‌ای که برخی به ارزشمندی و تأثیرگذاری عقل و برخی دیگر در صد نفی ارزشمندی و تأثیرگذاری عقل قائل هستند)؛ بیش‌تر به منبع بودن عقل مربوط است که این بحث در قسمت ماده روش قابل پیگیری است. اما در خصوص ابزار بودن عقل که در قالب صورت روش مورد گفت‌وگو است، میان اندیشمندان و عالمان دینی در ادیان، مذاهب و مکاتب مختلف اتفاق دیدگاه وجود داشته و همه با نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف در اصل به کارگیری عقل و استفاده از آن در قالب روش و استدلال، هماهنگ و متفق القول هستند.

### روش‌شناسی عقلی مهدویت پژوهی

اگر برای اثبات مسئله، استدلالی بیاوریم که به لحاظ صورت، قیاسی باشد و به لحاظ ماده، از قضایای بدیهی برگرفته باشد یا از بدیهیات تشکیل شده باشد؛ چنین استدلالی عقلی است و این روش اثبات مسئله را «روش عقلی» می‌گویند. در روش عقلی به تعبیر به شخص خاص اتکالی نیست. پس کارایی این روش به گروه خاص با اعتقادات معینی اختصاص ندارد، بلکه برای همه انسان‌ها - با وجود تفاوت‌های عقیدتی - راهگشاست. این ویژگی، امتیازی برای روش عقلی است. چنان‌که بیان شد روش عقلی به دو نگرش مستقلات



«عقلی» و «غیر مستقلات عقلی» تقسیم می‌شود. روش عقلی همان مستقلات عقلی است که هر دو، مقدمات روش و استدلال عقلی می‌باشد.

### کاربست روش عقلی در مهدویت پژوهی

از آنجا که مسائل مهدویت پژوهی متنوع و متکثر بوده و دارای شاخصه‌های گوناگونی، نظیر «کلی و جزئی»، «بیرونی و درونی»، «فیزیکی و متافیزیکی» می‌باشند؛ روش عقلی را نمی‌توان به‌طور کلی و یکسان در همه آن‌ها ساری و جاری دانست؛ بلکه در میان مسائل مختلف مهدویت برخی از آن‌ها که با رویکرد کلی، بیرونی و متافیزیکی و با شاخصه‌های ضروری، دوام و حتمیت توجیه پذیر می‌باشند، قابل به‌کارگیری هستند. یعنی مسائلی که به این رویکردها و شاخصه‌ها مزین باشند، با روش عقلی می‌توان آن‌ها را پردازش کرد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### مسائل عقلی مهدویت

۱. ضرورت حجت در همه زمان‌ها؛
۲. بایستگی و ضرورت مهدویت در عالم هستی؛
۳. غایت و فلسفه وجودی مهدویت در جهان هستی؛
۴. علت و فاعل وجودی مهدویت در جهان هستی؛
۵. علت غایی و هدف مهدویت در جهان هستی؛
۶. فواید و کارکرد مهدویت در نظام خلقت؛
۷. دلایل و توجیحات اصل مهدویت؛

مسائل مذکور، از جمله مسائلی هستند که با اسلوب و مقدمات عقلی قابل توجیه‌اند؛ زیرا شاخصه‌های قواعد عقلی، نظیر «کلیت و فراگیری»، «دوام و خدشه ناپذیری»، «ضرورت و قطعیت» که شاخصه‌های مقدمات (صغرا و کبرا) قیاس و روش‌های عقلی می‌باشند؛ به نحوی در آن‌ها وجود دارند و بی‌شک در حوزه مهدویت پژوهی از این نوع مسائل فراوان یافت می‌شود. در این نوشتار مواردی به عنوان نمونه نام‌برده شده‌اند و در ادامه به تبیین و تحلیل دو مورد از آن‌ها خواهیم پرداخت:

### تحلیل مسئله ضرورت حجت در همه زمان‌ها

یکی از مسائل مذکور «وجود حجت در همه زمان‌ها» است که این موضوع اولاً، دارای «کلیت و فراگیری» است؛ ثانیاً دارای شاخصه «دوام و خدشه ناپذیری» است؛ ثالثاً، دارای «ضرورت و حتمیت» خواهد بود؛ زیرا بر اساس داده‌های عقلی «عقاب بدون بیان» و بدون اتمام حجت از خداوند حکیم صورت نمی‌گیرد و بر اساس تدبیر حکیمانه خدا، در همه زمان‌ها باید حجتی برای هدایت مردم باشد تا اتمام حجت صورت پذیرد. بنابر این، در این زمان نیز به‌منظور اتمام حجت، باید حجت الاهی وجود داشته باشد که این مقوله و ضرورت آن، به عنوان مسئله‌ای عقلی در فضای مهدویت قابل توجیه و پیگیری است.

از آنجا که «ضرورت وجود حجت در همه زمان‌ها»، از جمله داده‌های عقلی است و با دلایل عقلی قابل توجیه می‌باشد؛ نقش نقل و داده‌های نقلی در این مورد نقش تأییدی و حمایت‌گری می‌باشد، نه به عنوان دلیلی مستقل.

پیامبر اکرم ﷺ در مورد ضرورت حجت و تداوم آن تا قیامت، به حضرت علی ؑ

می‌فرماید:

مَثَلُكَ وَمَثَلُ الْأَيَّمَةِ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَمَثَلُكُمْ مَثَلُ النُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ مثل تو [=علی] و امامان پس از تو چون کشتی نوح است. هر کس بر آن سوار شد، نجات یافت و هر که جا ماند، غرق شد و نمونه شما چون ستارگان است؛ هر گاه ستاره نهان شود، ستاره‌ای عیان گردد تا روز قیامت (صدوق، ۱۴۰۰: ص ۲۶۹).

امیر مومنان، علی ؑ می‌فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعِمِّي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به‌زودی مردم را به دلیل ستم و تعدی و اسراف آنان بر خودشان از دیدار او کور خواهد کرد و اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی بماند، اهل خود را فرو می‌برد (نعمانی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۱).

امام زین العابدین ؑ می‌فرماید:

لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ

وَلَا تَخْلُوْا اِلَيْهِ اَنْ تَقُوْمَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللّٰهِ وَ لَوْ لَا ذٰلِكَ لَمْ يُعْبِدِ اللّٰهُ؛ از آفرینش زمین و خلق آدم تا حال؛ زمین از حجت خدا خالی نمانده، که آنان یا ظاهر و مشهور هستند یا غایب و پنهان، و تا روز قیامت از حجتی الهی خالی نخواهد ماند، وگرنه خداوند عبادت نمی‌شد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۰۷).

در دو روایت اخیر، حضرات معصوم علیهم‌السلام به نکته مهمی اشاره کرده‌اند و آن، این‌که امامان علیهم‌السلام که به عنوان حجج الهی در میان مردم حضور دارند، حضور آن‌ها به دو صورت «ظهور» و «غیبت» تبلور دارد؛ یعنی ضرورت وجودی امام در جامعه یک بار در قالب «امامت» جلوه می‌کند و بار دیگر در قالب «مهدویت» (که غایت و اوج امامت است). پس ضرورت وجودی مهدویت، در واقع همان ضرورت وجودی امامت است و از نظر ماهیت و چیستی میان آن‌ها تفاوتی نیست؛ ولی صورت و شکل بروز آن‌ها متفاوت است که یکی ضرورت وجودی را در ظهور جست‌وجو می‌کند و دیگری در غیبت. البته در مقوله مهدویت، هنگام فرا رسیدن روز موعود، ضرورت وجودی غیبت به ضرورت وجود ظهور تبدیل می‌شود.

### چیدمان روش عقلی

مقدمه اول: خدای حکیم بدون اتمام حجت انسان‌ها را عذاب نمی‌کند؛

مقدمه دوم: اتمام حجت با وجود حجت قابل توجیه است؛

نتیجه: وجود حجت در این زمان و همه زمان‌ها ضروری است.

روش و استدلال مذکور که دارای دو مقدمه و یک نتیجه است، روش «عقلی نظری» تلقی می‌شود؛ زیرا از نظر «ماده» هر دو مقدمه آن عقلی، و از نظر «صورت» به شکل قیاس اقترانی است. پس به‌طور کلی چنین روشی را که دارای مقدمات و صورت عقلی است، «روش عقلی محض» نام گذاری می‌کنند.

### تحلیل مسئله بایستگی و ضرورت مهدویت

«بایستگی» و «ضرورت» مهدویت، از جمله مسائلی است که با نگرش عقلی قابل توجیه است؛ زیرا اولاً «کلی» است؛ ثانیاً «ضروری» و «لزومی» است و ثالثاً «ابدیت» و «دوام» دارد. این سه شاخصه، به‌طور کلی از شاخصه‌های روش‌ها و استدلال‌های قیاسی و عقلی است. بر این اساس، از جمله راه‌هایی که می‌توان به اثبات ضرورت مهدویت و منجی‌گرایی

پرداخت، راه «عقل» است. رویکردی که در طریق عقلی وجود دارد، رویکرد ویژه و خاصی است؛ یعنی عقل اولاً، با اسلوب و روش منحازی (غیر از روش نقلی) به اثبات منجی‌گرایی می‌پردازد؛ ثانیاً، با نگرش بیرونی به متعلق خود می‌پردازد و ثالثاً، در انتخاب متعلق خود نگرش کلی دارد، نه شخصی؛ یعنی به اثبات اصل مهدویت و منجی‌گرایی می‌پردازد، نه به شخص منجی. در این‌جا، یعنی در اثبات مهدویت خاص که به اسلام متعلق است، عقل با رویکرد کلی ورود پیدا کرده و با در افکندن راه‌های مختلف به ضرورت اثبات اصل مهدویت می‌پردازد که همان منجی‌گرایی با نگرش اسلامی است. در این خصوص دلایل عقلی فراوانی وجود دارد، نظیر «قاعده لطف»، «قاعده امکان اشرف»، «محال بودن قسر دائم و اکثری»، «نیازمندی دین به حافظ در هر زمان»، «نیازمندی دین به مفسر در هر زمان» و «لزوم واسطه فیض» که در ذیل به دو مورد پرداخته می‌شود:

#### ۱. از طریق برهان هدایت

از جمله شاخصه‌های مهم خدا شاخصه «هدایت» است که به نحوی همه انسان‌ها، اعم از دیندار و غیر دیندار و مسلمان و غیر مسلمان از آن بهره‌مند خواهند بود. برخی از مولفه‌هایی که تحقق بخش شاخصه هدایت است، عبارتند از: انبیا، دین، شریعت و امام. خداوند با ارسال انبیا و رسل، و انزال دین و شریعت، و ارسال کتاب‌های آسمانی و با تعیین جانشینان انبیا که در اسلام در قالب امامت و مهدویت تبلور دارد؛ زمینه هدایت و سعادت‌مندی بشر را فراهم می‌کند. بی‌شک، در صورت فقدان هر کدام از مولفه‌های پیش‌گفته، به نوعی زمینه‌های هدایتی بشر از بین رفته، گمراهی و فلاکت نصیب بشر می‌شود؛ زیرا نظام خلقت که به «نظام احسن» معروف است و خداوند که بر اساس اراده تشریحی، همیشه خواهان هدایت و فلاح بشر می‌باشد و نیز فلسفه وجودی آفرینش که تداعی‌کننده هدایت و سعادت‌مندی انسان خواهد بود؛ همگی ما را به این نتیجه می‌رسانند که وجود مولفه‌های هدایتی، نظیر نبوت، امامت و مهدویت برای هدایت و نجات بشر ضروری است.

#### چیدمان روش عقلی بر اساس برهان هدایت

مقدمه اول: خدای حکیم خواستار هدایت همه انسان‌ها و تداوم آن در همه زمان‌ها است؛

مقدمه دوم: بعد از خاتمیت، هدایت مردم و تداوم آن بر عهده امامت و مهدویت واگذار شده است؛

نتیجه: وجود امامت و مهدویت برای تداوم هدایت مردم ضروری است.

## ۲. از طریق برهان لطف

یکی از قواعد مهم و معروف علم کلام «قاعده لطف» است. قاعده لطف به معنای هر فعلی است که سبب گرایش مکلفان به سوی تعالی و کمال و به سوی اجرای طاعت و ترک معصیت می‌شود و اجرای آن از سوی خداوند متعال قطعی و حتمی است و متکلمان اسلامی آن را کلید حل بسیاری از مسائل کلامی نظیر، تشریح قوانین الهی و تکالیف دینی، ارسال کتاب‌های آسمانی، بعثت پیامبران الهی، تعیین جانشینان پیامبران (امامان)، و از جمله باورداشت مهدویت و آموزه‌های آن به کار گرفته‌اند.

قاعده لطف به عنوان یکی از مبانی عقلی مهدویت با رویکرد هستی شناختی معرفی شده و واجب بودن آن نیز بدیهی و وجدانی است؛ زیرا در صورتی که قاعده لطف تحقق پیدا نکند، نقض غرض پیش آمده و قبیح بودن نقض غرض نیز از امور فطری می‌باشد. شیخ مفید، دلیل بر وجوب لطف را آن می‌داند که غرض مکلف (خداوند) بر آن متوقف است. پس لطف واجب است و این، همان مطلوب است (مفید، ۱۴۱۴: ص ۳۲).

از منظر علامه حلی، دلیل بر وجوب لطف، آن است که لطف، غرض مکلف (خدا) را حاصل می‌گرداند. بنابراین، واجب است و اگر نباشد، نقض غرض لازم می‌آید (حلی، ۱۳۷۶: ص ۳۲۵). از دیدگاه سید هاشم بحرانی، برهان وجوب لطف، آن است که اگر ترک لطف جایز باشد، پس فرض آن که خداوند حکیم آن کار را ترک کند، غرض خود را نقض کرده است؛ لیکن این لازم (نقض غرض) باطل است و در نتیجه ملزوم (جایز بودن ترک لطف) هم باطل است (بحرانی، بی تا: ص ۴۸).

## انواع لطف

لطف بر دو قسم «لطف محصل» و «لطف مقرب» است: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا» لطفی که زمینه تعالی و کمال انسان را فراهم کرده و فقدان آن، نقض غرض از آفرینش می‌باشد، «لطف محصل» نام دارد و لطفی که زمینه تقرب انسان را از طریق انجام

دادن تکالیف و ترک معاصی فراهم کرده و فقدان آن، نقض اجرای تکالیف و طاعت می‌باشد، «لطف مقرب» نام دارد (مفید، ۱۴۱۴: ص ۳۱ و جوادی آملی، بی‌تا: ص ۳۱). لطف محصل نظیر بعثت، امامت و مهدویت که در واقع با فقدان آن‌ها، انسان نمی‌تواند به سوی تعالی و کمال حرکت کند و لطف مقرب نظیر شریعت، بهشت، جهنم و راهنمایی‌های انبیا و امامان که وجود آن‌ها زمینه تشویقی انسان به سوی تکالیف و طاعت فراهم می‌شود و با فقدان آن‌ها زمینه‌های تشویقی از بین رفته و انسان در اجرای تکالیف و طاعت ناآگاه و بی‌انگیزه می‌شود. در این بخش از پژوهی که در مقام مقایسه میان قاعده لطف و مهدویت و تطبیق این دو پرداخته می‌شود، باید دید اندیشه مهدویت با کدام یک از اقسام لطف هماهنگی و هم‌نواپی بیش‌تری دارد و در روش شناسی مهدویت پژوهی، از کدام قسم از انواع لطف بیش‌تر استفاده می‌شود و کدام یک به عنوان ماده قیاس، سامان بخش چیدمان روش مسائل مهدویت می‌باشد.

به صورت اجمالی گفته می‌شود: لطف بودن مهدویت از هر دو منظر قابل پیگیری است؛ اما از آن‌جا که در این قسمت از بحث که با نگاه عقلی و هستی‌شناختی دنبال می‌شود؛ اندیشه مهدویت بیش‌تر با لطف محصل که با رویکرد تکوینی و هستی‌شناختی تعریف می‌شود؛ قابل توجیه است.

آری؛ لطف محصل، عبارت است از ایجاد برخی زمینه‌ها و مقدمات از سوی خداوند که تحقق هدف خلقت و آفرینش، بر آن‌ها استوار است؛ به گونه‌ای که اگر خداوند، آن امور را در حق انسان‌ها انجام ندهد، کار آفرینش، لغو و بیهوده می‌شود (جمیل، ۱۴۲۱: ص ۴۰۰)؛ نظیر بعثت، امامت و مهدویت (سبحانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۴۷).

بنابراین، لطف محصل، لطفی است که غرض خلقت را تامین می‌کند؛ به بیان دیگر، لطف محصل عبارت است از فراهم ساختن مبادی و مقدمات لازمی که موجب برآورده شدن غرض از آفرینش انسان و نیز حفظ آن از لغو و بیهودگی است؛ به گونه‌ای که فراهم ساختن آن مبادی و مقدمات از سوی خداوند متعال سبب خالی بودن فعل او از هدف و غایت می‌گردد (سبحانی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۵۱. همان، ۱۳۷۳: ج ۳، ص ۵۰۸).

بر این اساس، بنابر اصل حکمت که سراسر آفرینش را فرا گرفته و آفرینش همه موجودات بر اساس آن توجیه می‌یابد، هدفمندی و متکامل بودن آفرینش روشن می‌شود. از

آن جا که خدای حکیم، بی‌نیاز مطلق و دارای اوصاف کمال نامحدود می‌باشد؛ هدفمندی و تکامل فقط در آفرینش او قابل توجیه است. در میان آفریده‌ها، خلقت انسان نیز از این امر مستثنا نیست و دارای غایت و هدف تکاملی است. از آن جا که انسان دارای شاخصه‌های عقل و شهوت بوده و در پیروی از هر یک از آن‌ها آزاد است؛ تحقق هدف و رسیدن به کمال مطلوب، نیازمند برخی مقدمات و زمینه‌هایی است. تعیین رهبر در قالب پیامبران و امامان و ارائه برنامه و راهکارهای هدایتی در قالب اسلام و مهدویت از زمره این زمینه‌ها به شمار می‌آید. اگر از سوی خدا تعیین پیامبر و امام، و ارائه برنامه و راهکار برای هدایت انسان‌ها، صورت نگیرد، حکمت الاهی در هدفمندی و سیر تکاملی انسان‌ها مورد تردید واقع می‌شود.

اما در بیان «ملازمه» میان قاعده لطف و مهدویت، گفته می‌شود که خداوند حکیم برای آفریده‌های خویش، خصوصاً انسان، پیشرفت و تکامل را رقم زده است و از سویی، خدای متعال می‌داند که پیشرفت و تکامل برای بشر حاصل نمی‌شود؛ الاً به تهیه زمینه‌ها و بسترهای لازم، نظیر قدرت، تکالیف، عقل، ارسال کتاب‌های آسمانی، بعثت انبیا علیهم‌السلام، نصب امامان علیهم‌السلام، تدبیر برنامه نجات بخشی و مهدویت. حال اگر آفریدگار در این مورد به انجام زمینه‌ها و بسترهای لازم مبادرت نوزد، گویی پیشرفت و تکامل را برای انسان در نظر نگرفته است و حال آن‌که در غرض و هدف آفرینش، رسیدن به تکامل و پیشرفت مورد نظر خدا بوده است. پس در این صورت، یعنی در صورت مهیا نشدن زمینه‌ها از ناحیه خدا، نقض غرض آفرینش رخ خواهد داد.

شیخ شهاب الدین سهروردی در اثبات وجود حضرت ولی عصر علیه‌السلام از طریق قاعده لطف می‌گوید: جهان، هیچ‌گاه از حکمت و از وجود کسی که به حکمت قائم باشد و نشانه‌های خداوند نیز در او باشد، خالی نبوده است. چنین کسی خلیفه خداست بر زمین و تا زمین و آسمان برپاست، چنین خواهد بود ... مقصود از این‌که می‌گوییم ریاست با اوست، الزام حکومت ظاهری او نیست؛ بلکه گاه امام خدایی، حکومت تشکیل می‌دهد و آشکار است و میسوط الید و گاه در نهایت پنهانی و غیبت به سر می‌برد. این امام، همان کسی است که مردم او را قطب زمان «ولی عصر» می‌نامند. ریاست جامعه با این انسان است؛ اگر چه نشانی از او در دست نباشد. البته اگر این رئیس ظاهر باشد و در راس حکومت قرار گیرد، زمان نورانی خواهد شد (سهروردی،

۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۱).



استاد حسن زاده آملی می‌فرماید:

در این مقام دو نوع بحث لازم است: یکی کلی و دیگری شخصی. مقصود از کلی این که براهین قطعی عقلی، بر وجوب وجود حجتی قائم به طور دائم قائمند، و به امتناع خلوق عالم امکان از لزوم چنین واسطه فیض الاهی حاکمند که «الامام اصله قائم و نسله دائم»؛ و مراد از بحث شخصی این که برهان معرف فرد نیست که جزئی نه کاسب است و نه مکتسب. لذا باید آن را از طریق دیگر شناخت؛ چنان که احادیث مستفیض، بلکه متواتر اهل عصمت و وحی، معرف شخص آن حضرتند (حسن زاده آملی، ۱۳۹۰: ص ۸۷).

### چیدمان روش عقلی بر اساس قاعده لطف

مقدمه اول: بر اساس قاعده لطف، تحقق بخشی به «لطف» بر خدا ضروری است (بدیهی عقلی)؛

مقدمه دوم: منجی‌گرایی (مهدویت) از جمله مولفه‌های لطف می‌باشد (نظری عقلی)؛

نتیجه: تحقق منجی‌گرایی (مهدویت) در تاریخ بشریت ضروری می‌باشد.

روش مذکور که روش قیاسی است، از دو مقدمه که یکی بدیهی و دیگر نظری است، شکل گرفته است و از آنجا که مقدمه اول که به عنوان صغرای قیاس و مقدمه دوم که به عنوان کبرای قیاس مطرح بوده و هر دو با داده‌های عقلی توجیه می‌شوند؛ چنین روشی را «روش عقلی» می‌نامند.

در پایان شایان ذکر است که مسائل عقلی مهدویت که با روش شناسی عقلی توجیه می‌شوند؛ دارای مصادیق فراوانی می‌باشند که بحث و گفت‌وگو در مورد همه آن‌ها به نوعی خارج از ظرفیت این نوشتار می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش تنها به تحلیل و تبیین دو مورد، یعنی «ضرورت امام در همه زمان‌ها» و «بایستگی و ضرورت منجی‌گرایی (مهدویت) در نظام هستی» پرداخته شده تا الگوی مناسبی برای تحلیل و تبیین بقیه مسائل عقلی مهدویت پژوهی ارائه گردد.





## نتیجه گیری

در حوزه روش شناسی علوم، روش‌های مختلفی با رویکردهای عقلی، نقلی، شهودی، تجربی مطرح است که بر اساس تفاوت‌های ماهیت شناختی، غایت شناختی و سنخیت شناختی، موضوع و مسائل علوم، متفاوت شده و با کاربردهای گوناگونی به خدمت گرفته می‌شوند. برخی علوم و مسائل آن‌ها ماهیت هستی شناختی دارند که با «متد عقلی»، سامان می‌گیرند و برخی علوم و مسائل آن‌ها ماهیت فیزیکی و طبیعت شناختی دارند که با «متد تجربی» و حسی توجیه می‌شوند و برخی دیگر از علوم و مسائل آن‌ها ماهیت قلبی و شهود شناختی دارند که با «روش کشفی و شهودی» تفسیر می‌شوند و برخی دیگر از علوم و مسائل آن‌ها ماهیت ایدئولوژی و دین شناختی دارند که با «روش نقلی» و «استنادات شرعی» قابل تعریف می‌باشند. مهدویت پژوهی، به عنوان حوزه دانشی با روش‌های مختلف در رویکردهای گوناگون نقلی، عقلی، تجربی و شهودی قابل تفسیر و توجیه می‌باشد که از جمله متد و روش اصلی در این حوزه «روش و متد عقلی» می‌باشد.

بی شک عقل و قواعد عقلی در حوزه مهدویت و توجیه مسائل آن، جایگاه مهم و ویژه‌ای دارند و مسائل بسیاری با شاخصه‌های مذکور در حوزه مهدویت پژوهی وجود دارند که تنها از طریق عقل و قواعد عقلی توجیه پذیر می‌باشند و نمی‌توان این مسائل را با روش‌های دیگری نظیر روش نقلی، تجربی و شهودی اثبات کرد. بر این اساس، رویه غلطی که در حوزه مهدویت مرسوم شده و همه مسائل مهدویت را با رویکرد نقلی دنبال کرده و مهدویت و مسائل آن را «نقل محور» جلوه می‌دهند، رویه اشتباهی است؛ زیرا با توجه به گستردگی حوزه مهدویت پژوهی از حیث مسائل و متنوع بودن مسائل از حیث تبار، ماهیت و سطح، نمی‌توان ادعا کرد که مهدویت تک روشی، یعنی «نقل محور» و یا «عقل محور» و یا تجربه محور و یا «شهود محور» است. در این صورت، حق این حوزه ذوابعاد و ذوجهات ادا نشده و این حوزه ضمن بی‌خاصیت و بی‌اثر شدن، کارکرد مؤثر خویش را در جامعه از دست می‌دهد.



## منابع

۱. ایچی، عضدالدین (۱۳۲۵ق). شرح المواقف، قم، منشورات الشریف الرضی.
۲. بحرانی، سید هاشم (بی تا). قواعد المرام. بی جا، بی نا.
۳. پارسانیا، حمید (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). «روش شناسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی»، قم، مجله عیار پژوهش، ش ۲.
۴. جمیل، محمد (۱۴۲۱ق). شرح عقائد الامامیه، بیروت، اعلامی.
۵. جوادی آملی، عبد الله (بی تا). پیرامون وحی و رهبری، قم، الزهراء.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۶ ج). ریح مختوم، تحقیق: حمید پارسانیا، قم، اسراء.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ الف). سرچشمه اندیشه، تحقیق: عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ ب). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق: احمد واعظی، قم، اسراء.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). ولایت فقیه، تحقیق: محمد محرابی، قم، اسراء.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ الف). انتظار بشر از دین، تحقیق: محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ ب). تسنیم، تحقیق: علی اسلامی، قم، اسراء.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). شریعت در آیین معرفت، محقق: حمید پارسانیا، قم، مرکز نشر فرهنگی رجا.
۱۳. حسن زاده، آملی (۱۳۹۰). نهج الولاية، قم، ناشر: الف لام میم.
۱۴. حلی، جمال الدین (۱۳۷۶). کشف المراد، ترجمه: ابوالحسن شعرانی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق). الهیات، بیروت، دار الاسلامیه.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). بحوث فی الملل و النحل، قم، جامعه مدرسین، بیروت، دار الاسلامیه.
۱۷. سهرودی، شهاب الدین (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق، مصحح: نجفقلی حبیبی، هانری کرین، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه.
۱۸. صدوق، محمد (۱۳۹۵ق). کمال الدین، تهران، اسلامیة.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ق). امالی الصدوق، بیروت، اعلامی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (بهار ۱۳۸۶). روش شناسی در حوزه فلسفه سیاسی اسلام، قم، مجله معرفت فلسفی، شماره ۱۵.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۲۲. مفید، محمد (۱۴۱۴ق). النکت الاعتقادیه، بیروت، دارالمفید.
۲۳. نعمانی، محمد (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی، تهران، نشر صدوق.